

نشریه

پیام حقوق

خرداد ۱۴۰۰

طراح و صاحب امتیاز: محمدصادق قائمی

هیئت تحریریه: مریم اعظم پور، محمدصادق قائمی



فہرست مطالب

- ۳ شرحی بر زندگی مرحوم پروفیسور حمید بہرامی احمدی (گردآورنده: محمدصادق قائمی)
- ۵ مروری بر زندگی مرحوم بہمن کشاورز (گردآورنده: مریم اعظمپور)
- ۷ خون بس (گردآورنده: محمدصادق قائمی)
- ۹ معرفی کتاب من لایحضرہ الفقیہ (گردآورنده محمدصادق قائمی)

شرحی بر زندگی مرحوم پروفسور حمید بهرامی احمدی

هنوز باور درگذشت فرد فرهیخته و دانشمندی همچون جناب پروفسور بهرامی برای دوستان، شاگردان و همکاران ایشان بسیار سخت است. ۲۹ مهرماه بود که خبر فوت ایشان به سرعت در میان افراد جامعه حقوقی ایران دست به دست میشد و به راستی در ابتدای امر کسی باور نمیکرد که این شخص با کمالات و اخلاق مدار چنین ناگهانی از میان ما پر بکشد. فوت ایشان مصادف شد با همه گیری ویروس کرونا لذا چنانچه که باید و شاید دوستداران وی نتوانستند جبران مهر ایشان را در مراسم خاکسپاریش به حد کافی به جا بیاورند. زندگی پرفراز و نشیب و کمالات و ادبی ایشان هر جوینده علم و ادبی را به وجد و شگفتی وامیدارد

بنابر این لازم است به خلاصه ای از زندگی وی و آثار ادبیشان بپردازیم. پروفسور حمید بهرامی در یکی از روستاهای اطراف رفسنجان به نام نوق که زادگاه ایت الله هاشمی رفسنجانی (ره) میباشد و در خانواده ای مذهبی به سال ۱۳۲۱ دیده به جهان گشودند. مدتی بعد از تولد ایشان در سن سه سالگی متأسفانه پدر محترم ایشان از دنیا رفتند. بعد فوت پدر ایشان ضمن کار و فعالیت کشاورزی به تحصیل و کوشش در زمینه های علمی میپرداختند تا اینکه در سن ۱۶ سالگی به منظور پیشرفت بیشتر به شهر کرمان برای تحصیل نقل مکان کردند تا اینکه در با پذیرش در دانشکده حقوق دانشگاه تهران عازم این شهر میشوند.

استاد در سن ۲۴ سالگی پس از اخذ مدرک کارشناسی تصمیم به ازدواج گرفته و بعد از آن عازم خدمت سربازی میشوند و پس از اتمام مدت سربازی اقدام به ادامه تحصیل در مقطع ارشد در دانشگاه تهران کرده و پس از آن نیز مدرک دکترای خود را از همین دانشگاه دریافت میکنند

زندگی و
تحصیل ایشان
توأم با فعالیت
های سیاسی،
کمک به جبهه
اسلام و
همکاری با ایت
الله هاشمی
رفسنجانی (ره)
بر ضد نظام
طاغوتی ستم
شاهی بود
چنانچه ایشان
چندین مرتبه
دستگیر و راهی
زندان های
اوین قصر، قزل
قلعه، زندان
شهربانی
شدند. در دوره
فعالیت
سیاسی،



ایشان بدوا به همراهی با
فعالیت های فداییان اسلام به
هواداری از مصدق علیه شاه
پرداختند پس از آن در
جریان مبارزات انقلابی علیه
شاه به عضویت در گروه
مجاهدین خلق درآمده لکن
پس از انقلاب با توجه به
تغییر موضع این گروهک
نسبت به نظام اسلامی از این
گروه پرائت جسته و راه خود
را از آنها جدا نمود.

وی پس از پیروزی انقلاب
شکوهمند اسلامی توسط دولت
وقت به سمت استانداری کرمان
و سپس استانداری سیستان و
بلوچستان درآمد. در ادامه ایشان
به مدت سه سال به عنوان رئیس
دفتر حقوقی ایران در لاهه هلند

انتخاب شدند و پس از آن نیز به
مدت سه سال قاضی طرف ایران
در دعوای حقوقی میان ایران و
ایالات متحده امریکا در دادگاه
لاهی بودند که در نهایت این دعوا
با صدور رای به نفع ایران به
اتمام رسید نکته جالب این است
که ایشان با توجه به مسلط بودن
به زبان فرانسه در دادگاه لاهه به
این زبان از ایران دفاع نمودند.
پس از بازگشت به ایران ایشان
اقدام به شرکت در دور پنجم
انتخابات نمایندگی مجلس
جمهوری اسلامی نمودند و به
پیروزی رسیدند اما با تلاش
رقبای سیاسی ایشان از جمله
خانواده هاشمیان اعتبارنامه
ایشان رد شد. جالب اینکه ایشان
باز هم در دور هفتم مجلس

شورای اسلامی توسط مردم
رفسنجان انتخاب شدند.
استاد پس از فعالیت های
سیاسی توجه خود را به فعالیت
های علمی معطوف کردند. از
جمله فعالیت های ایشان بنا
نهادن رشته کارشناسی ارشد
پیوسته معارف اسلامی و حقوق
در سه دانشگاه امام صادق (ع)،
دانشگاه شهید باهنر و دانشگاه
ولیعصر (عج) بود.

از آثار ایشان میتوان به کتاب
تاریخ حقوق، کتب قواعد فقه
پیرامون بحث قاعده لاضرر،
کتاب عقود و قراردادهای، کتاب
مسئولیت مدنی، کتاب اشک
مهتاب و کتاب شعر بود و
گذشت اشاره کرد در پایان
بخشی از کتاب اخیر را میخوانیم:

« بود و گذشت »

زندگی شور و شری بود و گذشت قصه مختصری بود و گذشت
ساعتی بر رخ زیبا رویی عشق صاحب نظری بود و گذشت
گوش بر بانگ شباهنگی دور. سر شب تا سحری بود و گذشت
مرغکی خسته ز پرواز رحیل لحظه ای بر شجری بود و گذشت
شامگاهی ز سراپرده دوست گاهگاهی خبری بود و گذشت
چند روزی مگر از روی خیال. ز محبت اثری بود و گذشت
به نیازی به سحرگاه امید به دعا چشم تری بود و گذشت
در ره بادیه تا کوی وصال شوق آسیمه سری بود و گذشت
روزگاری پی آزادی خلق فکر پندارگری بود و گذشت
گاه در محفلی از همسفران یادی از همسفری بود و گذشت
کاروان رفت و به صحرای کویر آتشی یا شرری بود و گذشت
گاه در وادی تنهائی و غم سفری با نفری بود و گذشت
یا که در کوچه بیدار سحر گذری از رهگذری بود و گذشت
به دیاری همه بیگانه دور سخن از دربدری بود و گذشت
گاه در خاطر مرغان اسیر حسرت بال و پری بود و گذشت
شب روی بود به راهی که در آن بیم چندین خطری بود و گذشت
گاهگاهی غم دل را به نیاز گفته با گوش کری بود و گذشت
یا که بر شاخه نومیدی دل اثر از برگ و بری بود و گذشت
بر دری تا رسد از دوست خبر دیده منتظری بود و گذشت
به تکلف همه همه ایام حیات کوشش بیثمیری بود و گذشت
کس نداند ره مقصود این بود یا که راه دگری بود و گذشت
شاید از دیده دانا «داور» شیوه ساده تری بود و گذشت

نویسنده: محمد صادق قائمی

مروری بر زندگی مرحوم بهمن کشاورز

نویسنده: سرکار خانم مریم اعظمپور

آقای بهمن کشاورز در شهریور ماه سال ۱۳۳۲ در تهران زاده شد. پدر ایشان، آقای کریم کشاورز، نویسنده، مترجم و داستان نویس ایرانی بود. مادر وی، فرخنده نوید کسمایی هست که در انجمن پیک نسوان رشت فعالیت می کرد و از اولین زنانی بود که در گروه تئاتر این انجمن به بازیگری روی آورد.

بهمن کشاورز از بنیانگذاران اتحادیه سراسری کانون های وکلای دادگستری ایران بود. و پنج دوره ریاست آن را بر عهده داشت و به مدت ۳ دوره عضو هیئت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز بود.

از جمله مدارک تحصیلی وی: ۱- کارشناسی حقوق قضایی از دانشگاه تهران ۲- کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی از دانشگاه شهید بهشتی (ملی سابق) ۳- کارشناسی ارشد حقوق خصوصی از دانشگاه شهید بهشتی را دارا می باشد.

کشاورز در تاریخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۲ به عنوان رئیس کانون وکلای دادگستری مرکز (تهران) در دوره بیست و چهارم هیئت مدیره این کانون انتخاب شد.

وی پرونده های زیادی در زمینه حقوق و وکالت داشته و به دفاعیه از آنها پرداخته که در اینجا به دو مورد از آنها اشاره میکنیم؛ یکی پرونده وکالت غلامحسین کرباسچی در دادگاه انقلاب تهران که همچنین به دلیل پیگیری هایش در امور صنفی وکلا و یادداشت های حقوقی آگاهی بخش در رسانه های ایران

دیگر آنکه بنیاد حقوقی بهمن کشاورز برای گرامی داشت تلاش های ۵۰ ساله وی در تاریخ ۳ اردیبهشت ۱۳۹۸ تاسیس شد.

نتیجه:

وی تلاشها و اقدامات زیادی در زمینه های مختلف حقوقی انجام داده است و کتاب های حقوقی بسیار زیاد و ارزشمندی تالیف کرده است که بهتر است

برای درک عمیق حقوق، آنها را مورد

شناخته میشد و دیگری پرونده وکالت عبدالفتاح سلطانی، وکیل پایه یک دادگستری بود که در جریان انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۱۳۸۸ دستگیر و زندانی شد. وی در تیرماه ۱۳۹۴ در جریان مذاکرات هسته ای جمهوری اسلامی گفته بود: ((اگر نظامی بودم، در حالت خبردار به تیم هسته ای کشورم سلام میدادم.))

جناب کشاورز همچنین ریاست انتشارات کشاورز را نیز عهده دار بود. وی آثار زیادی در زمینه های مختلف حقوقی از خود به جا گذاشته است که در اینجا به چند مورد از آنها اشاره میکنیم:

- آیین تنظیم قراردادها: به انضمام نمونه قراردادها و شرایط عمومی پیمان
- آیین نگارش حقوقی و کلیات عملی علم حقوق (جلد اول و دوم)
- هنر دفاع در دادگاهها استراتژی و تاکتیک: جلد اول: هنر دفاع در دادگاه جنایی، جلد دوم: هنر دفاع در دادگاه حقوقی (مدنی)
- متن محشای قانون و آیین نامه "اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب" معروف به: قانون احیاء دادرسی و...

از جمله اقداماتی که برای بزرگداشت و گرامیداشت آقای بهمن کشاورز صورت گرفت یکی در شهریور ماه سال ۱۳۹۸ خیابان هفتم خالد اسلامبلی واقع در منطقه ۶ تهران به نام او به عنوان پیشکسوت عرصه حقوق ایران نامگذاری شد.



مطالعه قرار داد و هدف ما نیز از ارائه این نشریه زنده کردن نام این بزرگوار بود و چه زیباست یاد چنین انسان های وارسته و بزرگی از جمله؛ جناب کشاورز، دکتراسکینی و دکتر کاتوزیان و.... که تلاش های قابل تحسین و ارزشمندی در زمینه حقوقی انجام داده اند را گرامی بداریم. امید داریم در آینده نزدیک کسانی چون دکتر کشاورز به جامعه حقوق پا بگذارند و ادامه دار ایشان باشند و این راه را خالی نگذارند. بهمن کشاورز در تاریخ ۳ اردیبهشت سال ۱۳۹۸ بر اثر ایست قلبی در بیمارستان مهراد تهران درگذشت.

((یادش گرامی و راهش پر رهرو))

خون بس

پایان دادن به دعاوی و نزاع
ها از در صلح و سازش از
گذشته در فرهنگ ایرانی
اسلامی مورد پسند بوده
چنانچه که مرجع شورای

اثر ناملموس و معنوی قوت
گرفته. این رسم به دلیل پایان
دادن به خصومت های میان
طایفه ایجاد شده اما به چه
قیمتی؟ در این مقاله به نقد

طایفه مقتول داده میشود
که به آن زن فصیله یا خون
بس میگویند. در اینجا زنانی
که در این موقعیت قرار
میگیرند در واقع قربانی



حل اختلاف بر پایه همین
موضوع بنا نهاده شده
است.

رسم تقریباً منسوخ خون بس
میپردازیم.
این دو رسم «فصل» و
«خون بس» برای پایان
دادن به نزاع ها و جنگ
های طایفه ای ناشی از
قتل، ضرب و جرح، هتک
ناموس و... با پادرمیانی
ریش سفیدان انجام
میشود.

نکته قابل تأمل اینست که
برای این آتش بس قبيله
ای زنی از طایفه قاتل به
نکاح وجود رضایت در زن

هشت سال پس از رد ثبت ملی
سنت «فصل و خون بس» از
جانب سازمان میراث فرهنگی
بار دیگر تلاش ها برای ثبت
این سنت از جانب مسئولین
استان خوزستان در فهرست
ضمنا از شرایط اصلی صحت عقد

خطای مردان میشوند و فشار
روحي و تحقیر مضاعفی
تحمل میکنند. این حالت به
گونه ایست که زن طایفه قاتل
باید جور عمل قاتل را به
دوش بکشد که به طور کامل
متناقض با اصل فردی بودن
مجازات ها میباشد و در
جوامع امروزی به واسطه
همین اصل به هیچ عنوان
نمیتوان شخص ثالثی را
مجبور به تحمل عواقب عمل
شخصی دیگر نمود.
میباشد لکن اگر زن رضایت

به این امر نداشته باشد نکاح
عمل خلاف شرع و حرام ابه و

به همین واسطه عقد صورت
گرفته باطل خواهد بود و از
نظر شرعی هم میتوان به این
امر ایراد وارد کرد.

پایان دادن به نزاع ها امری
پسندیده است اما نه به
قیمت زیر پا گذاشتن
حقوق زنان و حقوق بشر.
ثبت این رسوم که ریشه
در عقاید منسوخ زندگی
قبیله دارد نه تنها گامی به

جلو در فرهنگ ما نیست
بلکه میتواند وضع زنان در
جامعه را بدتر از دیروز
کند.

هر چند که این رسم تقریبا
منسوخ شده خواه به واسطه
کاهش خشونت میان قبایل و
رشد اندیشه و خردورزی میان
افردا طوایف از این دست
موارد کمتر پیش می آید اما
بهتر آن است که سعی شود با
افزایش قدرت مراجع قضایی و
فرهنگی به این دعاوی پایان
داد تا حق هیچکس چه
خانواده مقتول چه خانواده
قاتل چه آن زن مظلوم و بینوا
که فیصله نامیده میشود ضایع

نشود. علاوه بر این در صورت
ثبت این مراسم طایفه ای و
قبیله توصیه میشود که
جوانب منفی این امر نیز در
جریان ثبت ذکر شود تا
هیچوقت فراموش نشود که در
دعاوی هرگز نباید حق فردی
ثالث را به واسطه مصلحت
اندیشی ضایع نمود.
ومن الله التوفیق

نویسنده: محمد صادق
قائمی

معرفی کتاب من لایحضره الفقیه

برای اکثر افراد جامعه تشخیص احکام عبادات و معاملات بسیار دشوار بوده و هست از اینرو عموم افراد باید به یک فقیه عالم مراجعه کنند تا حکم مسئله مورد نظر خود را کسب نمایند. حال در صورت عدم دسترسی به فقیه و فرد آگاه به مسایل فقهی چه باید کرد، راه حل مراجعه به کتب و رساله های فقهی تدوین شده در این موضوع میباشد.

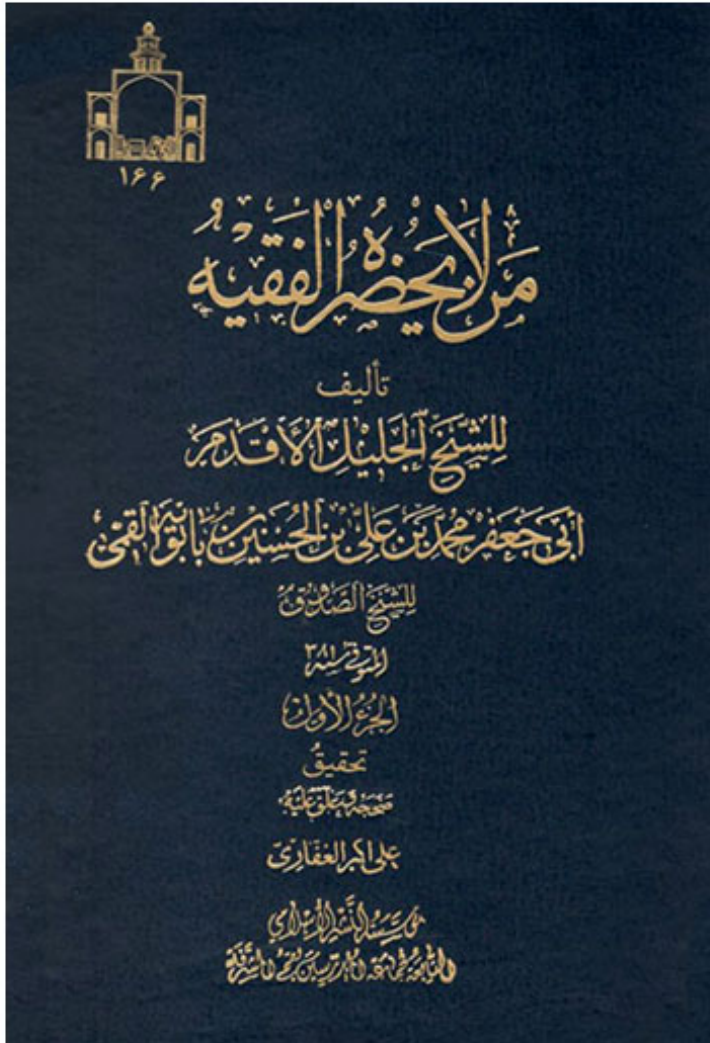
از ابتدا اسلام تا کنون رساله های مختلفی من جمله لعمه، اصول کافی، التهذیب، الاستبصار، کتاب من لایحضره الفقیه، اصول وافی، تحریرالوسیله امام (ره) و ... جهت حل مسائل فقهی افراد جامعه نگاشته شده است.

کتاب من لایحضره الفقیه کتابی به قلم و تالیف ابوجعفر محمد بن بابویه قمی ملقب به شیخ صدوق میباشد. این کتاب که به زبان عربی در ۴ جلد تدوین شده مشتمل بر ۵۹۶۳ حدیث است که آنرا جزو کتب اربعه که از مهم ترین کتب فقهی شیعه هستند قرار داده است. و فقها همواره در مباحث و نگاشته های فقهی خود به این کتاب استناد نموده اند. معنی فارسی عنوان کامل این کتاب «(فقیه) که به فقیه دسترسی ندارد» میباشد.

علت نگارش این رساله درخواست یکی از سادات شهر بلخ به نام شریف الدین ابوعبدالله محمدبن حسین میباشد که از وی خواسته بود که مانند کتاب طبی من لایحضره الطیب زکریا رازی کتابی در مورد مسائل طب بنویسد تا مورد استفاده عموم قرار بگیرد.

مؤلف این کتاب میفرماید:

این کتاب کتابی است که در فقه و حلال و حرام وقوانین و مقررات شرع نوشته شده به قسمی که همه آنچه را که در موضوعات مختلف فقه از طهارت تا دیات تا کنون نوشته ام در برر داشته باشد و آن را کتاب من لایحضره الفقیه نام نهادم تا به وقت نیاز بدان مراجعه کرده و مورد اعتماد و اطمینان باشد. در این کتاب منظورم این است آن دسته از روایاتی که بدان فتوا میدهم و به صحت و



صدورش از معصومین وثوق دارم و بدان حکم میکنم بیاورم.

درباره مؤلف:

محمدبن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی (ره) (درگذشته ۳۸۱ ق.ه)، به شیخ صدوق و همچنین به احترام جد بزرگ ایشان ابن بابویه به ابن بابویه شهرت دارند. ایشان از فقهای برجسته قرن چهار شیعه هستند. از ایشان به عنوان بزرگ ترین فقیه مکتب حدیثی قم نام آورده شده و حدود ۳۰۰ اثر علمی به ایشان نسبت داده شده اند که از مهم ترین آنها کتاب من لایحضره الفقیه

میباشد. از دیگر آثار ایشان میتوان به کتب معانی الاخبار، عیون الاخبار، الخصال، علل الشرایع و صفات الشیعه اشاره کرد.

منبع شیخ صدوق در تالیف کتاب من لایحضره الفیه آثار فقهای متقدم از جمله حریز بن عبدالله سجستانی و شیخ اجل حلبی و علی بن مهزیار اهوازی و احمد بن محمد بن عیسی و ابن ابی عمیر و شیخ برقی و حسین بن سعید اهوازی بوده است.

چنانچه گفته شد فقهای بسیاری در آثار خود به این کتاب استناد کرده اند و حتی شرح ها بر این رساله جامع نوشته اند که از آنها میتوان به کتاب روضه المتقین محمد مجلسی، معاهد الفیه شهید ثانی، معراج النبیه فی شرح کتاب من لایحضره الفیه،

التعلیق السجادیه مراد بن علیخان تفرشی و کتب

محشای بسیاری از نویسندگان مختلف نام برد. علاوه بر این از این کتاب در کتاب الوافی که جامع کتب اربعه است تعداد زیادی از احادیث کتاب فقیه با حذف احادیث مکرر آورده شده است.

تا اوایل قرن ۱۴ ترجمه جامعی برای این رساله نوشته نشده بود تا اینکه محمد تقی مجلسی ملقب به مجلسی اول این کتاب را با نام لوامع صاحبقرانی (لقب شاه عباس صفوی) تالیف کرده و به چاپ رسانیده است علاوه بر این، کتاب متن و ترجمه کتاب من لایحضره الفیه در ۶ جلد توسط علی اکبر غفاری، محمد جواد غفاری و صدر بلاغی ترجمه و شرح داده شده است.

نویسنده: محمد صادق قائمی